

بقلم : آقای دکتر علمی مظاهری

استاد دانشگاه پاریس

## قبله و محراب باعتبار هیئت و لغة

وازیں گونه است اختلاف محراب شیعی و محراب سنی در مزگت آدینه طهران و این مزگت آدینه را افغانان بر ساختند ظاهراً بروز کار ( اشرف ) شاه و سمت قبله آنرا بدستور محاریب سلاجقه و گورکانیان استخراج کرده و محرابی بر آوردند ولی چون کریمخان زند بگری فوج افغانرا که ساکن طهران و هوا خواهان افشاریه بودند تار و مار گردانید ، یعنی در یکی مجلس ضیافت میران ایشانرا بخیانیت بکشت ، مزگت ایشان نصیب شیعیان گشت . لکن در امر محراب سرگردان ماندند تا اینکه آن محراب سنی را بگل بینباشتند و درجه چند دورتر ازین محراب ممنوع و متروک محراب کنونی را ، فراخور حال و عادت ملت ( قزلباش ) راست کردند ، فقیر این حکایت را شفاهاً از مرحوم پدرم استماع کردم و در دفترها نخوانندهام و حدس چنان میزنم که مگر این تحویل محراب سنی بمحراب شیعی بروز کار فتح علیشاه قاجار افتاده باشد ، یعنی بوقت ساختن مسجد شاه طهران ، که ناتمام بمانده بود و آنرا هم حاجی ملا عباس ایروانی مشهور بحاجی میرزا آقاسی . بانی قسمت کهنه قنات کرج و بازارهای طهران و بسیار مآثر خیریه دیگر ، سرانجام کرد . هر چند لندنیان و اسمعیلیه و حتی بهائیه اورا لعنت میکنند .

در حالیکه مر ( باب ) را ممدوح ایشان ، یعنی امیر کبیر ، بردار کرد در حالیکه

حاجی میرزا آقاسی از علما بیجنون اوفتوی گرفته بود . ( ۱ )

۱- در ۱۲۴۴ ق حاجی میرزا آقاسی ( آقاخان ) اول را پیشوای ملاحده که لشکر بر سر دولت کشیده و اتباعش مانند عهد ( حسن صباح ) در شهرها دست بجاقو کشی زده بودند بقیه زیر نویس در صفحه بعد

وزیر مرقوم بفتح قزلباشیه و شیعه بسیار کارها انجام داد و باعتبار تاریخ آدم  
فعال بوده است .

باری هر مسلمان نیکو اعتقاد که معروضات فقیر را بیندیشد ناچار بیند که  
این امور بیشتر باسیاسات مدینه و ظواهر اسلام ربط دارد تا با اصول ایمان و اعتقاد ،  
که گفته اند .

( الاعمال بالنیات ) یعنی آن روی دل است که با حضرت حق باید بودن ،  
خواه در نماز و خواه در نیاز ، و مسلمان در نماز باید که آن قدر با خدا نزدیک بود .  
که قبله از جز قبله نداند و گرنه تعیین سمت قبله و اوقات نماز صرفاً بخاطر اینست  
که رسم تفرقه و دورویی از میان خلق برخیزد :

باری مراد از این پریشان گفتارها فقط تفسیر آن بیت سعدی بود نه تعیین  
قبله و نیز تواند بود که تفسیرها باشد ، از عرفانی و جز عرفانی ، در خورد این باب  
که فقیر ندانست یا دریافت مگر اینکه دانشمندان بگویند و منتهی بروی نهند .

بقیه زیر نویس از صفحه قبل

از ایران اخراج کرد ، وی نیز در دو مصاف شکست خورده و از راه تون و طیس و قندهار ،  
بدستیاری لندنیان ، بهند در خدمت آنها فرار کرد .

دوسال بعد مردی ( باب ) لقب از دریای هند برآمده بایران قدم نهاده و بر سر آن  
شد که عمل اسماعیلیه را بطرزی (مودرن) تر اجرا نماید اما معلوم نیست بیاری کدام دستگاه  
سیاسی کارگشته و مجهزی در شهرهای ایران - نه اهل شیعه که وی گفتی من ، زبانم لال ،  
( امام منتظر ) ایشانم .

بلکه یهودیها و زردشتیها و برخی از ملاحده که هیچیک در انتظار امامی از تخمه پینمبر  
مانبوندند ، با تعصبی نا پیوسان بطرفداری از وی برخاسته و غوغاها کردند .

همانا که دانستند کدام خدائی این ( امام ) را بایران فرو فرستاده . مگر حاجی  
میرزا آقاسی نیز بدانست و دفع این حیلت را حیلت دیگر اندیشید و پس از چند محضر  
مناظره ها میان او و علما ، فتوائی گرفت ، نه بر قتل او ، چنانکه میل باطنی دشمن اسلام  
بقیه زیر نویس در صفحه بعد

بقیه زیر نویس از صفحه قبل

بوده بود ، تا مگر شهیدی بقالب زده آید و پیراهن عثمانی بدست افتد ، و آن دین منافی با اسلام که مراد است ساخته و پرداخته گردد .

ولی تیرایشان بخطر رفت ، و درچنان عهد استبدادی ، که بکمتر بهانه خون کسان را توانستندی ریخت حاجی میرزا آقاسی نه بقتل این مرد بلکه بدیوانگی او از علما و اطبا فتوی صادر نموده او را تحت الحفظ در گوشه یکی از دهات بنشاند و اگر این وزیر زیرک باز جای مانده بودی هرگز دین بر مراد ارباب از آب بیرون نیامدی .

پس لازم شد که بهر نحوی و بهر حیلتنی شده دست حاجی میرزا آقاسی از ایران کوتاه کرده آید و نقشه ریخته شده از قوه بفعل درآید .

اینجاست که وفات ناگهانی محمد شاه مشکل اولی آنها را حل میکند .

ماده تاریخ ( مرگ ) محمد شاه را حریف ( خیک ترکید ) داده هر چند که از روی علم پزشکی روشن نیست که کسی از نفرس که ( گوت ) Goutte گویند ( بترکد ) ، برعکس نفرسیان دیرزی باشند .

لکن پزشکان فرنگی که عمال بیگانه بودند دست آخر با ( خیک ) خیلی و رفتند بهر حال ، با ترکیدن ( خیک ) و رفتن حاجی میرزا آقاسی بکربلا ، آرزوهای طماعان بیکیبارگی تازه گشت لولو خور خورده برفت و شاهی روی کار آمد نوبلوغ و عیاش که فقط با اسم پادشاهی دل خوش می داشت و اختیارات تامه هم بدست ( امیر کبیر ) افتاد که نوعی ( موسولینی ) بودی .

وی دارالفنون را که ( حاجی ) طرح کرده یعنی محل و نفقات آترا تعیین نموده و معلمهای آترا هم از اطریش و پاریس استخدام نموده بود و با جلوس شاه نو قدم بطهران نهادند . برنامه آترا را عوض کرده و ماهیت آترا هم تغییر داد .

حاجی می خواست که دارالفنون يك Ecole polytechnique اکول پلی تکنیک یعنی قطب مثبت شود و ملت مسلمان ایران ، با آموختن قنون جدید ، قدی علم کند ولی ( امیر کبیر ) آترا بصورتی دیگر درآورد و دستور داد این سید علی محمد را از دارالمجانین بیرون آورده بردار کردند .

مستبد بودن ناصرالدین شاه و غیره يك چشم بندی بیش نیست وی و دیگران درواقع بمنزله محبوسوی بودند که با مشت های عصبانی بردیوار و در و پنجره محبس بکوبد و لبها و

پشت دستهای خود را بدنشان بخایندید و بالاخره هم مرگ او و دیگران مانند مرگ مرغ بود درون قفس .

کسیکه آزاد نیست ، ولو تاجی هم بر سر دارد ، چگونه ( مستبد ) تواند بود .  
پس ( بایبان ) و همپالکی‌هایشان اعم از ذمی و حربی حق دارند که مجسمه حاجی میرزا آقاسی را از لجن خالص میسازند .

آری از برکت همین روش است که ایشان اولاً از عدم بوجود آمده‌اند و ثانیاً مسلمان را حتی آنهایی را که از مسلمان بیش از اسمی رویشان نیست . از وجود بدم افکنده‌اند و گویا آن عهد که زمین با حریبان بناچار شریک شدند ، بر انداختن خانه مسلمانرا ، گذاشته باشد و جنابان آقایان زمین درین موقع می‌توانند پرده را از روی کار بیکبار بردارند و حکمروائی بالاستقلال خود را رسماً بجهانیان اعلان کنند .

چه که مسلمانان چنان افتاده که هرگز برنخیزد و هر آنچه از کیسه ( ایرانی ) الان بکیسه کافر باصطلاح حربی میرود . در واقع از کیسه اهل ذمه است که میرود . همان بهتر که آقایان از محافظت میراث یا غنائم خود غفلت نفرمایند و من بعد ازین شب کمرنگ مسلمانان نهراسند .

پایان

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و درماندگی

( سعدی )

حافظ مکن ملامت رندان که در ازل

ما را خدا ز زهد ریا بی نیاز کرد

( حافظ )